

## خبر کوتاه

**اِصرار به لیگ، از کجا سرچشمه می‌گیرد؟**

فرشاد کاس‌نژاد

انگار بخشی از اصرار به برگزاری بازی‌های باقی‌مانده از فصل لیگ برتر، از دست نرفتن درآمدهایی در حوزه تبلیغات است... درآمدهایی که فدراسیون فوتبال ایران و سازمان لیگ با نیمه‌کاره رها شدن فصل از دست می‌دهند. اما آنچه باعث می‌شود که اغلب باشگاه‌ها -ظاهراً به جز پرسپولیس- می‌خواهند فوتبال تعطیل باشد تا با امنیت بیشتر شاید فصل آینده از دست نرود، نکته کلیدی ماجراست، اینکه باشگاه‌ها سهم چندانی از این درآمد‌ها ندارند.

درآمد باشگاه‌ها در ایران از تبلیغات محیطی و درآمد‌های روز بازی مثل بلیت‌فروشی و فروش محصولات باشگاه و... انچنان در مقابل هزینه‌های هر بازی و هزینه‌های باشگاه‌داری ناچیز است که باشگاه‌ها را برای برگزاری بازی‌ها در این وضعیت پرخطر ترغیب نمی‌کند اما فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ برای از دست نرفتن درآمد‌ها و پرسپولیس با توجه به شانس بیشتر قهرمانی از برگزاری بازی‌ها حرف می‌زنند و چندان متوجه عواقب این تصمیم نیستند.

حتی برگزاری بازی‌ها که بی‌تماشاگر خواهد بود هیچ درآمدی برای باشگاه‌ها در روز مسابقه خلق نمی‌کند، چون نه خبری از همان درآمد ناچیز بلیت‌فروشی است و نه حق پخش تلویزیونی در ایران پرداخت می‌شود که باشگاه نصیبی از این فعالیت پرخطر برد.

در اقتصاد فوتبال ایران که باشگاه‌ها همیشه چند برابر درآمد‌های خود هزینه می‌تاشند و بدهی‌های چند صد میلیاردی و حتی صد میلیاردی به بار می‌آورند، بدیهی است که برگزاری بازی‌ها زیانبار و تعطیلی آن سودآور است، حتی اگر ویروس کرونا منجر به تعطیلی فوتبال نشود. در چنین بلشویی اقتصادی هولناکی، اصرار به برگزاری بازی‌ها و ایجاد خطر برای بازیکنان، مربیان، داوران، خبرنگاران و عوامل اجرایی بازی‌ها از کدام منافع جمعی سرچشمه می‌گیرد؟ با برگزاری بازی‌ها به فرض درگیری چند بازیکن با کووید ۱۹ دوباره بازی‌ها تعطیل خواهند شد و تعطیلی دوباره می‌تواند برنامه‌های فصل آینده را به خطر بیندازد. نکته مهم‌تر این است که برگزاری بازی‌ها شاید برای چند باشگاه که همیشه از فرصت‌های مالی بیشتری بهره می‌برند چندان دشوار نباشد اما برای باشگاه‌هایی با اقتصاد ضعیف و بسیاری از تیم‌های لیگ یک و دو کار پیچیده و دشواری خواهد بود. تیم‌های کوچک نه توان سفر با رعایت فاصله اجتماعی دارند، نه توان مالی پرداخت هزینه‌های هتل با اتاق‌های جداگانه برای هر بازیکن. بنابراین هزینه‌های جاری باشگاه‌ها چند برابر بیشتر از گذشته خواهد شد و این می‌تواند به مشکلات اقتصادی آنها اضافه کند. یک یا چند باشگاه که فرصت‌های مالی بهتری نصیب‌شان می‌شود یا فدراسیون و سازمان لیگ که دو محفوظ ماندن درآمد خود فکر می‌کنند نباید تصمیمی خودخواهانه بگیرند. باشگاه‌ها بر سر این مسأله تازه که با شیوع ویروس کرونا پیش آمده، دوباره و چندباره از درآمد‌های ناچیز خود که توسط فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ باید پدید بیاید، حرف زده‌اند و هیچ‌کس نمی‌داند چرا محاسبات این درآمد‌ها هرگز شفاف نیست و فهرست روشنی از این درآمد‌ها منتشر نمی‌شود. این درآمد‌ها چیست و کجاست و چرا باشگاه‌ها همیشه از ناچیز بودن یا دریافت نکردنش حرف می‌زنند؟ بیانی کانون مربیان فوتبال ایران حاوی هشدارهایی است که پیش از اشاره کانون مربیان نیز باید برای فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ روشن باشد.

فدراسیون و سازمان لیگ باید نخبه‌ترین کارشناسان را در استخدام خود داشته باشد، نه اینکه با کارمندا اداره شوند. پیشنهاد کانون مربیان نیز البته بحث‌برانگیز است و یکی از چندین و چند پیشنهاد مطرح ماه اخیر در گفت و گوه‌ای اهالی فوتبال و ژورنالیست‌هاست اما زوایای مهمی از آن در این پیشنهاد خلی خام دیده نشده که به کارشناسی دقیق در یکی دو ماه اخیر نیاز داشت، کاری که در فدراسیون و سازمان لیگ انجام نشد.

### اشتهای سیری‌ناپذیر برای دیده شدن

احسان محمدی

در فضای مجازی سر به سرش می‌گذارند که بیشتر شبیه شخصیت‌های سریال یوسف پیامبر است تا یک فوتبالیست. خودش هم انگار خیلی از این شوخی‌ها بدش نمی‌آید. مدل موها و ریش و فرم چشم‌هایش برای بازی کردن او در یک سریال تاریخی همان عصر مناسب است. رامین رضاییان مدت‌هاست که بر‌ای‌مان یک تصویر پررنگ در فوتبال نساخته است اما تا دل‌تان بخواهد از او در شبکه‌های اجتماعی عکس‌هایی با لباس‌های متفاوت و تیپ منحصr به فرد دیده‌ایم.

پسر شمالی فوتبال ایران خیلی معمولی نیست. از آن‌هاست که احتمالاً وقتی بازنشسته شد و به میانسانی رسید با دیدن این عکس‌ها بگوید کاش آن روزها دست به انتخاب‌های بهتری می‌زد و با آن همه استعداد و توانی که داشت بیشتر در زمین فوتبال می‌درخشید و روی سکوها تشویق می‌شد تا اینکه ستاره شبکه‌های اجتماعی باشد و لایک جمع کند. ستاره‌های جوان البته از این نصیحت‌های پدربزرگ گونه خیلی خوش‌شان نمی‌آید و هر چه بزرگتر‌ها بگویند که این کار را ما قبلاً رفتاریه و بهتر است فوتبال را فدای شهرت نکنید، گوش‌شان بدهکار نیست. صدای تحسین‌ها آنقدر بالا است که زمزمه‌های پیرانه اصلاً شنیده نمی‌شود.

اختلاف او با برانکو و جدایی‌اش چیزی نیست که از یاد هواداران برود. او و مهدی طارمی اسم‌شان با کودتای ترکیه گره خورد؛ تا از پرسپولیس رفتند در ترکیه چنان آشوبی به راه افتاد که تانک‌ها به خیابان آمدند اما کسی از آنها با لباس تیم‌های لیگ حتی یک بازی به خاطر نمی‌آورد. یک جدایی نا به هنگام که هواداران از آن به عنوان ناسپاسی یاد می‌کنند و می‌گویند اگر مانده بودند چه بسا تیم فاتح لیگ قهرمانان آسیا می‌شد.

از هنگام بازی کردن او با لباس پرسپولیس دو تصویر در ذهنم برجسته مانده است. یکی وقتی به راه‌آهن گل زد و چنان به سبک کریستین رونالدو شادمانی کرد که انگار جام را برده‌اند و خبر ندارد تیم هنوز در تفاضل گل از استقلال خوزستان پایین‌تر است. عادل فردوسی‌پور گزارشگر آن بازی چنان لجش گرفته بود که به نوعی با طعنه سرزنشش کرد. گویی دلش می‌خواست داد بزند که به جای جشن پس از گل توپ را بردار و ببر وسط زمین...! آن بازی در نهایت با شک برای قرمزها تمام شد. نایب قهرمانی فقط به خاطر تفاضل گل کمتر دردتان است.

صحنه دیگر هم برای پرسپولیس – سپاهان بود که او به سبک لیونل مسی – لوئیز سوارا، ضربه پناثلی را به مهدی طارمی پاس داد تا پرسپولیس در یک رقابت شانه به شانه از سد زردپوش‌های اصفهان بگذرد. گلی که البته اسباب کری‌خوانی شد و هواداران روی سکوها حسایی جشن گرفتند اما گفته می‌شود در رختکن برانکو به شدت با هر دو بازیکن برخورد کرده است که رفتارشان غیرمستولانه بوده و او توپ گل نمی‌شد به همه تیم ضربه زده بودند.

او در تیم ملی هم هافبکی دودنه – زنده بود و کوی‌روش حتی در جام جهانی ۲۰۱۸ به رضاییان اعتماد داشت. درگیری‌های او با کاستنا و رونالدو در خاطره‌ها مانده است و کمتر کسی یادش می‌آید که در دیدار مقابل اسپانیا ضربه رضاییان به توپ باعث شد که دقیقه ۵۴ کاملاً اتفاقی به ساق پای کاستا برخورد کند و درون دروازه بیرونوند بغلتد وگرنه با آن سبک دفاع صخرهای تیم ملی و بازی فداکارانه احتمالاً آنها به گل نمی‌رسیدند.

رضاییان در تیم ملی شاید ستاره کاملی نبود اما کسی به او خرده نمی‌گرفت که کم‌کاری می‌کند یا بازیکن ضعیفی است. مدافع – هافبکی دودنه که گاهی خودش را به محوطه جریمه می‌رساند تا از ضربات سرش استفاده کند و هنگام قرار گرفتن پشت ضربات ایستگاهی با ژست رونالدو ضربه می‌زد هنوز آینده را پیش‌رو دارد و البته پنهان نمی‌کند که دوست دارد به پرسپولیس برگردد. گرچه هواداری‌ها هنوز از دل چرکین هستند اما تجربه نشان داده است که به محض برگشت و زدن یک گل و کمی دلبری برای هواداران همه چیز از یاد می‌رود. هواداران فوتبال در لحظه زندگی می‌کنند و می‌دانند حضور یک رضاییان آمده حتی با حاشیه‌هایش در فضای مجازی به تیم انرژی مضاعف می‌بخشد و همیشه گل و پاس گل خاصیت عجیبی برای تطهیر بازیکنان دارد!

### نوزی: قانون فوتبال را نوشید و امضای زوری گرفتید!

مالک باشگاه تراکتور به شدت نسبت به دوران حضور نصیرزاده در باشگاه ماشین‌سازی انتقاد کرد. پرونده‌هایی که فیفا بخاطر شکایت بازیکنان خارجی علیه باشگاه‌های تراکتور و ماشین‌سازی صادر کرده، با عصبانیت محمدرضا نوزوی مواجه شده و او در مصاحبه‌های اخیرش بارها از مدیریت هوشنگ نصیرزاده در زمان حضور در ماشین‌سازی انتقاد کرده است که اکنون نیز در گفت‌وگویی جدید علیه او به صحبت پرداخت. نوزوی در خصوص آخرین وضعیت شکایت بازیکنان خارجی علیه تراکتور و ماشین‌سازی گفت:
«رک و پوست‌کنده یک موضوعی را می‌گویم و به کسی تهمت نمی‌زنم. من راجع به چیزی که اسناد و مدارک آن وجود دارد، صحبت می‌کنم. ما یک بازیکنی در ماشین‌سازی داشتیم که چند تمرین با تیم انجام داد، اما رفت و از ما شکایت کرد

او با اشاره به زمان مدیرعاملی نصیرزاده در باشگاه ماشین‌سازی عنوان کرد: ما می‌گوییم آقای مدیر! یا شما مدیریت در فوتبال را بلد هستید یا نیستید. شما که ادعا می‌کنید مدیریت در فوتبال بلد را هستید و ادعا می‌کنید قوانین فدراسیون را ما می‌نویسیم، چگون‌ه از بازیکن تسویه حساب گرفتید، اما خود شما و مدیر دفترتان به این بازیکن خارجی پیامک دادید؟

مالک باشگاه‌های تراکتور و ماشین‌سازی اضافه کرد: شما که مدعی هستید، قانون را بلد هستید، مگر نمی‌دانید پیامک و صدای شما را این بازیکن به فیفا می‌برد و می‌گوید به زور از من تسویه حساب گرفتند؟ نوزوی تصریح کرد: اگر شما بگویید قوانین فوتبال و فیفا را بلد نیستم، آن موقع بنده می‌گویم من اشتباه کردم یک مدیری که کارش را بلد نیست، در راس باشگاه گذاشتم، اما وقتی می‌گویند من قوانین فوتبال ایران را نوشتم و پس از آن، بنده شما را مدیرعامل آن باشگاه(ماشین‌سازی) کردم، شما باید بدانید که فیفا از صداها و پیامک‌های شما به بازیکن، استناد می‌کند و می‌گوید آن بازیکن را تحت فشار قرار دادید و او امضای زوری گرفتید او ادامه داد: حکمی که فیفا برای باشگاه ماشین‌سازی صادر کرده، این است که طبق پیامک‌ها و صداها و به تلفن همراه آن بازیکن خارجی بوده، رای داده است. جالب اینکه وکیل‌ه می‌که باید از ما دفاع کند، رفت و حرف‌های آن بازیکن را تایید کرده است! وکیل‌ه که انتخاب شده، وکیل ما بوده یا بازیکن

مالک باشگاه ماشین‌سازی عنوان کرد: آقای مدیر باشگاه، اگر اطلاعات حقوقی ورزشی‌تان خوب بوده و ادعا دارید، چرا به این بازیکن هم صدا و هم پیامک دادید؟ شما مگر نمی‌دانستید فیفا با استناد به پیام‌های شما، باشگاه ماشین‌سازی را محکوم می‌کند

نوزوی تاکید کرد: وقتی چنین اتفاقی برای ما افتاده، باید دو نتیجه گرفت؛ یا در انجام این کار آگاهی وجود نداشته(در حالی که ادعا می‌کنید اطلاعات حقوقی ورزشی و فوتبال‌تان زیاد است)، یا باید قبول کنیم که خودمان این کار را انجام دادیم و به بازیکن گفتیم، برود و از فیفا شکایت کند و از طرف دیگر، به وکیل اعلام کردیم که حرف‌های بازیکن را در فیفا تایید کند. غیر از این نمی‌تواند باشد.

# امتیاز

روزنامهصبح ایران

مجبور شدم نبی را کنار بگذارم

# کفاشیان: یک سال در «بلک لیست» وزارتخانه بودم



واقع او در سال ۹۳ و در دوره ریاست شما استعفاء داد تا گزینه وزارت ورزش جانشین او شود. آقای نبی از شما به خاطر حمایت نکردن دلخور نیست؟ نبی از من دلخور نیست و با هم رفیق هستیم. وقتی قرار بر بازگشت او به فدراسیون شد، تماس گرفت و با من صحبت کرد و من هم به او گفتم که فدراسیون فوتبال کمک کند. هیچ دلخوری‌ای بابت اتفاقات سال ۹۳ وجود ندارد. او آدم با گذشتی است.

«ماجرای استعفاي نبی با فشار های وزارت ورزش را به خاطر دارید؟
وزارت ورزش یک سال فشار آورد و خیلی اذیت کرد. ما یک سال با این شرایط تعامل کردیم اما دیگر من را به وزارت ورزش راه نمی‌دادند. یک سال در «بلک لیست» وزارت ورزش بودیم و بودجه نمی‌دادند. به قدری فشار آوردند که ناچار شدیم نبی را کنار بگذارم. به خود نبی هم گفتم که چاره‌ای ندارم و او هم این موضوع را پذیرفت. «بازگشت نبی به فدراسیون را موثر می‌دانید؟ او امور اجرایی فدراسیون را می‌داند و مسلط است. باید روزتر تکلیف فدراسیون فوتبال مشخص می‌شد تا انتخابات را برگزار کنیم.

## فعلا روی نام استراماچونی خط قرمز بکشید

میثم مختاری

بعد از به تعویق افتادن مسابقات فوتبال در جهان و به تبع آن به تعویق افتادن رقابت‌های مقدماتی جام جهانی فوتبال در آسیا، اخباری مبنی بر تغییر سرمربی تیم ملی شنیده شده است.

ابتدا شایعاتی در رابطه با بازگشت کالدرون به ایران مطرح شده و حالا هم صحبت از نشستن استراماچونی بر روی نیمکت تیم ملی طرح شده است. این شایعات هم با این فرض مطرح می‌شوند که با تعویق مسابقات دیگر گردنه حساسی مشاهده نمی‌شود که ناچار باشیم با اسکوچیچ ادامه دهیم و می‌توان سراغ گزینه‌های بهتری رفت. ابتدا باید عنوان کرد کمتر کسی است که مخالف توانمندی بیشتر استراماچونی و کالدرون نسبت به اسکوچیچ در امر مربی‌گری باشد. آنها حتی آشنایی کامل با فوتبال ایران و بازیکنان ایرانی پیدا کرده‌اند و در شرایط حساس فعلی تیم ملی نیازی به زمان برای آشنایی بیشتر ندارند. اما باز هم گزینه ماسبی برای جانشینی اسکوچیچ نیستند. در این یادداشت این دلایل را بررسی خواهیم کرد:

۱- شرایط فعلی هیچ تفاوتی با ابتدای بهمن‌ماه که اسکوچیچ به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب شد، ندارد. هنوز هم فدراسیون بی‌پول است و چه بسا فشار مالی به آن بیشتر شده باشد و زمان پرداخت برخی بدهی‌ها رسیده باشد و با توجه به فشرده بودن تقویم‌های فوتبالی، در صورت از سرگیری مسابقات، و نبود زمان برای برگزاری اردوهای آمادسازی، باز هم زمان کمی برای یک مربی وجود دارد و تیم ما حتما باید تمام بازی‌ها بربرد و اسکوچیچ حداقل در زمان فدا و با اکثر لژیونرهای تیم ملی خواسته‌ها و شرایط خود را مطرح کرده است. ضمن اینکه همان زمان هم استراماچونی و کالدرون بدون تجربه‌ای در تیم‌های با راسا و رونالدو در خاطره‌ها مانده است و کمتر کسی یادش می‌آید که در دیدار مقابل اسپانیا ضربه رضاییان به توپ باعث شد که دقیقه ۵۴ کاملاً اتفاقی به ساق پای کاستا برخورد کند و درون دروازه بیرونوند بغلتد وگرنه با آن سبک دفاع صخرهای تیم ملی و بازی فداکارانه احتمالاً آنها به گل نمی‌رسیدند.

پیروز رسایی

این روزها اسم علی پروین زیاد اطراف باشگاه پرسپولیس شنیده می‌شود. شایعات هم متعدد است؛ راه و بیراه، حتمول و غیرممکن. از یک طرف می‌گویند مهدی رسول‌پناه که سرمست پرسپوت باشگاه است برای رسیدن به کرسی مدیرعاملی دنبال لابی با شرکت پیشکسوتان کهن و مشخصا خود علی پروین است، از سوی دیگر هم شایعه شده مراد‌ها و با واگذاری سهام سرخپوشان در بورس، همین شرکت در اولویت دریافت بخشی از سهام پرسپولیس قرار خواهد گرفت؛ ادعایی که اصلا معلوم نیست مبنای قانونی دارد یا نه و تازه اگر داشته باشد هم قطعا حرف‌های و منصفانه نیست. درست در همین اوضاع و احوال و در شرایطی که ۲ صندلی هیأت‌مدیره در باشگاه خالی است، گفته می‌شود ممکن است وزیر ورزش روی اعلام نام علی پروین به‌عنوان یکی از اعضای جدید به‌جمع‌بندی

## کی‌روش پاسخ شکایت فدراسیون فوتبال را داد

پذیرفتند و امضا کردند.

من مطمئنم آقای کفاشیان و نبی، کسانی که من به آن‌ها اعتماد و باور دارم، شاهد و گواه من خواهند بود، زیرا آن‌ها در مقابل خدا نمی‌توانند این توافق و پیمان خوب را انکار کنند. قرارداد دوم من با آقای تاج هم فقط یک نسخه کپی با همان کلمات یکسان و همان پیمان بود که با آقایان دکتر اسلامیان و ساکت توافق شد.

من هم‌چنین اعتقاد دارم آقای اسلامیان و ساکت هم مقابل خداوند و دادگاه CAS در سمت من خواهند بود.

متأسفانه وقتی شما به افرادی بدون صداقت، شخصیت و اصول اخلاقی مواجه می‌شوید، نمی‌توانید چیز دیگری توقع داشته باشید. ولی دادگاه CAS از آن وسایلی نیست که رییس قبلی فدراسیون فوتبال ایران در گذشته از آن استفاده کرد تا ایجاد ترس کند یا مردم به خصوص بازیکنان و کارمندان‌ش را بترساند.

دادگاه CAS یک دادگاه مستقل، قابل احترام و یک موسسه بین

فکر می‌کنید درخواست ایران منطقی است؟

نمی‌توانم بگویم که کدام کشور نظر AFC را جلب می‌کند. در سال ۹۳ شانس با ایران بود و توانستم تا دو کشور پایانی شانس‌مان را حفظ کنیم. به نظرم ما باید همیشه برای میزبانی دواطلب شویم. یک موقعی امارات رقیب ما می‌شود و شکست می‌خوریم اما امکان داشت کشوری مانند بنگلادش رقیب ما باشد و بتوانیم میزبانی را به دست بیاوریم. در آن سال کنفدراسیون فوتبال آسیا دید امارات بهتر است و خدایی هم میزبانی بهتری داشت.

«چرا ایران برای رقابت‌های رده‌های پایه درخواست میزبانی نمی‌دهد که شانس بیشتری داشته باشد

ایران باید برای رده‌های پایه هم درخواست میزبانی بدهد. به نظرم هر گونه میزبانی فوتبال ما را می‌سازد و باعث ساخت و ساز استادیوم‌های جدید می‌شود.

«در دوره ریاست شما فقط یک بار میزبان رده سنی نوجوانان در آسیا شدیم.

درست است یک بار میزبان مرحله نهایی نوجوانان شدیم اما چندین بار رقابت‌های منطقه‌ای را برگزار کردیم. خیلی مهم است که در رده‌های پایه میزبانی کنیم.

«یکی از مهمترین موضوعات درباره شما مربوط به محرومیت ۵ ساله از فوتبال از سوی کمیته اخلاقی است که با اعتراض شما راهی کمیته استیفاف شد. نوبت رسیدگی به پرونده شما نرسیده است؟

هنوز جلسه دادرسی برگزار نشده است. اطلاع ندارم که چه زمانی قصد دارند به این پرونده ورود کنند.

«اعتراض شما به رای کمیته اخلاقی ارتباطی به بازگشت‌تان به فوتبال دارد یا قصد اعاده حیثیت دارید؟

من پارسال اعتراض زدم و هنوز رسیدگی نشده است. این موضوع مربوط به الان نیست که بخواهم به فوتبال برگردم.



که فدراسیون‌نشینان غیبت مربی و سردرگمی تیم به مذاقشان نماند آمد که دوست دارند با استراماچونی هم تجربه کنند؟ فراموش نکنیم که یکی از دلایل انتخاب اسکوچیچ، هزینه کم، راه آمدن او با تاخیر در پرداخت و اطمینان به تعهد او به تیم ملی تحت هر شرایطی بود. مواردی که در ویلموتس وجود نداشت و در استراماچونی هم وجود ندارد.

هرچند که فدراسیون فوتبال خبر مذاکره با استراماچونی را تکذیب کرده ، اما اتفاقات اخیر فوتبال ما نشان داده که هر وقت تکذیب‌ها محکم‌تر باشد، باید احتمال وقوع آن را بالاتر دانست. البته وضعیت تحریم‌ها و شرایط مالی و مدیریتی فدراسیون هم حکم به شایعه بودن این خبر می‌دهد، مگر اینکه برخی از مدیران فدراسیون فوتبال به هیجان و دیوانگی عادت داشته باشند و فکر کنند مدیریت فوتبال یعنی بمب ترکاندن. این احتمال هم وجود دارد که به دلیل وضعیت نامشخص فدراسیون فوتبال، هر کسی بخواهد بدون اطلاع بقیه کار خود را پیش ببرد و به نمایندگی از فدراسیون دست به مذاکرات این جنبی بزند. هر چه که هست، فدراسیون مسئول وضعیت فعلی است و تنها تکذیب شایعه کافی نیست، چون دیگر اعتمادی وجود ندارد و مدیران فدراسیون فوتبال بایستی با رفتار و عملکرد و توجه خود نسبت به تیم ملی و اسکوچیچ این شایعات را تکذیب کنند.

## برای پروین؛ کاش همان بالا بمانی

برای باز کردن گره‌های باشگاه را در اختیار دارد. حاکاثر قرار است از نام و اعتبار او استفاده شود که این یکی هم بدون حضور تنش‌آمیز او در هیأت‌مدیره «شدنی» است. پروین باید بزرگ‌تر معنوی پرسپولیسی‌ها باشد. درست‌ترین نقش برای او، مثلا همین کاری است که اخیرا در غائله پیش آمده بین افشین پیروانی و امیر قلعه‌نویی انجام داد؛ اینکه با ورودی «امری» خواهان عقبنشینی پیروانی شد و شاگرد سابقش را به عذرخواهی و دلجویی واداشت. قبول کنیم انجام هر کاری در دنیا یک محدوده سنی دارد و الان شرایط پروین طوری نیست که دنبال جور کردن درصده در درصد قرارداد بازیکنان یا خواندن غرولندهای مجازی آنها باشد. او جایی بالاتر از همه این کاغذها، می‌تواند نقش مرجع عرفی و غیررسمی را برای قرمزها ایفا کند؛ جایگاهی که برازنده مردی با این اسم و رسم باشکوه است.



الملی معتبر است.

هزینه کردن زمان و پول در دادگاه CAS با پرونده علیه کارلوس کی‌روش تنها راهی است که آن‌ها انتخاب کردند تا توجهات طرفداران تیم ملی را از مشکلات واقعی که آن‌ها باید بررسی کنند، دور کنند؛ همچون قرارداد با مربی اخیر تیم ملی!

درد